

وحشت پراکنی برای غلبه بر وحشت!



در ماه های اخیر به موازات تداوم و گسترش اعتراضات دلاورانه ضد حکومتی توده های تحت ستم ما، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی موج جدیدی از اعدامهای وحشیانه را در سراسر کشور به راه انداخته است. در شهر های تهران، برازجان، سبزوار، سنندج، بوشهر و ... ده ها تن تحت عناوین مختلف از "قاچاقچی" مواد مخدر گرفته تا "اراذل و اوباش" و "متجاوزین به عنف" و بالاخره "مخارب" (عنوانی که سردمداران جنایتکار حاکم برای نامیدن مخالفین نظام از آن استفاده می کنند) به چوبه های دار سپرده شده اند و خبر اعدام آنها بابوق و کرنا در بلندگوهای تبلیغاتی پخش شده است. شمار بزرگی از این اعدامها در ملاء عام صورت گرفته و این درحالی ست که سال گذشته برخی از مقامات جلاد دیکتاتوری حاکم بدلیل وحشت از رسوایی هر چه بیشتر حکومت خویش در افکار عمومی بین المللی، اعلام کرده بودند که اعدامهای در ملاء عام "متوقف" میشوند.

از سوی دیگر، در ماه های اخیر جو جامعه هر چه بیشتر پلیسی گشته و بر ابعاد پیگیری و اذیت و آزار توده های تحت ستم تحت عناوین مختلف افزوده شده است. مزدوران جمهوری اسلامی دسته دسته در معابر عمومی شهرهای کشور ظاهر شده و زیر نام های فریبکارانه ای همچون "ارتقاء امنیت اخلاقی"، "مقابله با بدحجابی"،

"مقابله با تحرکات دشمن" و بالاخره "تامین امنیت" و بالاخره با گسترش دخالتهای سرکوبگرانه دولتی، می کوشند ترس و رعب و ناامنی در میان توده های محروم را هر چه بیشتر تشدید کنند. در چنین فضایی ست که بطور مثال جلادان حاکم با قساوتی که تنها از جانبان بالفطره ای چون آنها برمی آید، اعلام می کنند که حکم "قطع انگشتان دست سه سارق" در کرج به نحوی که "کف دست و شست آنها باقی بماند" تایید شده و به اجرا در خواهد آمد. و یا در چنین شرایطی ست که در گرگان مردم را تهدید به فرستادن "قضات" و تشکیل "دادگاه" در همان خیابان برای متخلفین و بدحجابان می کنند و یا رییس پلیس مزدور رژیم در خراسان اعلام می کند که نیروهای انتظامی در چارچوب طرح "امنیت اخلاقی" با متوقف کردن ماشینها و تجسس آنها در سطح شهر، با صاحبان "خود روهای مزاحم" که "سگ و گربه و میمون" حمل می کنند، برخورد خواهد کرد!

ادامه در صفحه ۲

حراج نفت و گاز و چهار صد میلیارد دلار سوبسید به انحصارات امپریالیستی!

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری در حال بستن قرار دادی با هند و پاکستان در زمینه صدور گاز به این کشور ها می باشد. به اعتراف خود مسئولین حکومتی رژیم بازدن چوب حراج به سرمایه ها و منابع طبیعی متعلق به کارگران و خلقهای تحت ستم ما به هر خفتی تن داده تا این قرارداد منعقد شود. برای نمونه برای پا گیری این قرارداد سردمداران جمهوری اسلامی حاضر شده اند رقم فوق العاده بزرگی در حد مبلغ ۴۰۰ میلیارد دلار در طول اجرای این قرارداد تخفیف به طرف مقابل بدهند. این مطلبی ست که در جریان اعترافات اخیر رییس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی بیان شده است. این مقام جمهوری اسلامی اخیرا گفته است که "در قرارداد خط لوله هند و پاکستان، حدود ۴۰۰ میلیارد دلار ، ما به آنها سوبسید می دهیم و بعد در کشور با فقدان اشتغال یا کمبود شدید گاز مواجه می شویم" وی اضافه کرده است که سردمداران حکومت "در حوزه سیاست فوایدی را برای این خط لوله بر می شمارند که من خیلی متوجه نمی شوم!"

سخنان رییس کمیسیون انرژی مجلس در مورد بخشش ۴۰۰ میلیارد دلاری در پروژه خط لوله نفتی هند و پاکستان که بی اختیار انسان را به یاد قراردادهای "ناصرالدین شاهی" و حکومت فاسد و مزدور قاجاریه می اندازد جلوه کوچکی از ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی و ابعاد کارگزاری آن برای سرمایه داران جهانی و امپریالیستها و کمپانیهای امپریالیستی را نشان می دهد. این سخنان یکبار دیگر موبد این واقعیت است که چگونه رژیم منفور جمهوری اسلامی در حالی که با ادعای استقلال از امپریالیستها یک دم از سردادن شعارهای پوچ ضد امپریالیستی غافل نمی شود ، درست در همانحال از کانالهای مختلف به صورت مستقیم و غیر مستقیم مشغول خدمتگزاری به آنها و پر تر کردن جیبهای کمپانیهای امپریالیستی به بهای فقر و ذلت و گرسنگی فزاینده توده هاست.

ادامه در صفحه ۳



در همین حال، استبداد حاکم به نحو چشمگیری بر دامنه سرکوب جنبش های دلاورانه اجتماعی نظیر مبارزات کارگران و اعتراضات و مقاومتهای زنان و دانشجویان و جوانان و خلقهای تحت ستم نیز افزوده است. مجموعه تمامی این اقدامات تعرضی و ضد مردمی نشان می دهد که دیکتاتوری حاکم در دوره جاری بار دیگر ضمن بستن شمشیر از رو کوشیده است تا جایی که توان ضد انقلابی اش اجازه می دهد با تشدید کنترل و سرکوب در تمام جوانب حیات توده های تحت ستم هر صدای مخالفی را در گلو خفه کند.

اما سوال اصلی اینجاست که کدام ضرورت ها و یا نیازی مبادرت به برپایی وسیع و علنی جوبه های دار و چنین یورش ضد خلقی ای را برای سردمداران جمهوری اسلامی و باصطلاح نظام "عدل اسلامی" آنان ایجاب کرده است؟

گرداندگان نظام استثمارگرانه حاکم برای موجه جلوه دادن جنایات خویش گاهها ادعا می کنند که تشدید اعدام ها و مجازات های وحشیانه دیگر (که در حقیقت تلاشی برای اعمال کنترل های بی سابقه در تمام زوایای زندگی اجتماعی مردم در چارچوب جامعه تحت سلطه ماست) را با هدف برافکندن "بزهکاریهای اجتماعی" نظیر "قاچاق مواد مخدر"، "اعتیاد"، "فحشاء"، "زدی"، "شرارت و نامنی" و غیره سازمان داده اند. اما هر انسان اندک با تجربه ای می داند که اتفاقا رژیم فاسد و ضد خلقی جمهوری اسلامی با دفاع از نظام استثمارگرانه سرمایه داری وابسته در ایران، خود بزرگترین عامل گسترش تمامی بلایای اجتماعی در جامعه تحت سلطه ما بوده است و در نتیجه شرط اول مقابله واقعی با بزهکاران اجتماعی از میان برداشتن این رژیم و مناسبات استثمارگرانه ای است که با چنگ و دندان از آن حفاظت می کند، درست بدلیل همین واقعیت است که اعدام و بگیر و ببند و اعمال مجازات های وحشیانه قرون وسطایی این حکومت در حق بزهکاران اجتماعی کوچکترین کمکی به امحاء و یا حتی از آن کمتر تخفیف چنین بلایایی در جامعه ما نکرده است. این واقعیت حتی برای خود دولتمردان

دهد که در صورت مخالفت با اراده ضد خلقی طبقه حاکم و در صورت مبارزه بر علیه دستگاه ستم و جور سرمایه داران وابسته، سرنوشتی جز زندان و شلاق و شکنجه و چوبه دار در انتظار آنها نخواهد بود. این جوهر هدف ضد خلقی رژیم است که در شرایط تشدید بحران بار دیگر و با شدتی هر چه بیشتر به جان توده های بجان آمده افتاده و به نمایش جنایات خود پرداخته است.

تمامی تجارب مبارزاتی گواه بر آن است که تمامی اقدامات ضد خلقی و باصطلاح قاطع جانان حاکم و نمایش قدر قدرتی دستگاه حکومتی شان، خود انعکاس یک واقعیت مهم و برجسته یعنی شدت ترس و وحشت جمهوری اسلامی از گسترش فزاینده اعتراضات توده ای و آینده نامطمئن خویش در مقابل جنبش توده هاست. تشدید سرکوب و اعدام و نمایش علنی آنها نشان می دهد که برغم تمامی جنایات و سرکوبهایی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در حق توده های تحت ستم ما مرتکب شده، دیکتاتوری حاکم هنوز قادر به خفه کردن صدای اعتراض آنان و مرعوب کردن مردم به جان آمده ما و برقراری سکوت قبرستان در جامعه تحت سلطه ما نگشته است. بنابر این وحشت پراکنی های اخیر توسط مزدوران حاکم در جامعه برای تحقق هدف فوق انجام شده و راه گریزی است که جلادان حاکم برای غلبه بر ترس و وحشت بی پایان خویش از خشم و نفرت مردم به جان آمده و مبارز ما بدان دست یازیده اند.

سرکوب عامل اصلی بقای رژیم جمهوری اسلامی و نظام استثمارگرانه ای است که این رژیم از آن حفاظت می کند. این حقیقت را تجربه ۳۰ سال حکومت دار و شکنجه جمهوری اسلامی نشان داده است، در عین حال که توسل به سرکوب و اقدامات جنایتکارانه بیشتر بر علیه توده ها انعکاس وحشتی است که در مقابل خشم متراکم شونده توده ای سردمداران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را به لرزه در آورده است.

حاکم نیز هویداست. چرا که گاه و بیگاه برخی از آنان به سترونی اعمال مجازات های ضد خلقی با رویای باصطلاح ریشه کنی بیماریهای اجتماعی نیز معترف شده و می پذیرند که مثلا استفاده و قاچاق "مواد مخدر" را با "اعدام" نمیشود برانداخت. در نتیجه از همین جا نیز می توان دریافت که هدف از تشدید اعدامها و گسترش سرکوب در جامعه "مبارزه با بلایای اجتماعی" نیست.

واقعیت را بخواهیم، جمهوری اسلامی با براه اندختن دوباره بساط دار و شکنجه در معابر عمومی و نمایش جنایات خویش در افکار عمومی و یا به زعم خود نمایش قدرت سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، در حقیقت تشدید سرکوب و کنترل توده ها را هدف خود قرار داده در صدد "درس عبرت" دادن به توده ها است. تا در شرایط تشدید بحران های اقتصادی و سیاسی خویش بر خطر ناشی از غلیان خشم و نفرت توده های تحت ستم از نظام و حکومت ضد خلقی حاکم غلبه کند. با دار زدن قربانیان در مقابل چشم توده ها، با پیگرد و بگیر و ببند جوانان و دانشجویان و کارگران و زنان زیر نام مقابله با بی اخلاقی و شرارت و ... و تبلیغ و نمایش این جنایات هولناک در سطح خیابانها، با متوقف کردن و جستجوی اتومبیلها برای باصطلاح یافتن سگ و گربه و "میمون" و با تشکیل بیدادگاه در معابر عمومی در واقع این چماق سرکوب و کنترل دولتی است که با قدرت در بالای سر توده های بجان آمده و زندگی سراسر تحت فشار و محنت آنان به پرواز درآمده است. ایجاد و گسترش جو ارباب و سرکوب، حربه ای است که دیکتاتوری حاکم با توسل به آن به مردم به جان آمده پیام می دهد که در فکر مخالفت و مقاومت در مقابل ستم و استثمار و سرکوب طبقه حاکم نباشند. با این اعمال وحشتناک، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در صدد است تا به دشمن خود یعنی کارگران و زحمتکشان بجان آمده و بپا خاسته (نظیر کارگران دلاور هفت تپه و لاستیک البرز و...)، و به دانشجویان معترض در دانشگاه های کشور، به زنان مبارز و مقاوم و به جوانان و توده های بجان آمده و به خلقهای تحت ستم اخطار

تشدید درگیریهای مسلحانه

گزارشات منتشره از تشدید درگیریهای مسلحانه در منطقه کردستان و بلوچستان بین نیروهای نظامی رژیم جمهوری اسلامی و گروه های مخالف مسلح خبر می دهند. در یکی از این درگیریها فرماندهی انتظامی رژیم در سیستان و بلوچستان ادعا کرد که نیروهای انتظامی سه تن از "اشرار" را در منطقه ایرانشهر کشته اند. در این حال نماینده مجلس رژیم در زاهدان در تاریخ ۲۴ تیرماه اعلام کرد که ۲ تن از نیروهای نظامی رژیم که در جریان درگیریهای مسلحانه اخیر توسط گروه های مخالف در این منطقه به گروگان گرفته شده بودند توسط آنها اعدام شده اند. همچنین به گزارش خبرگزاری البرز جمهوری اسلامی به نقل از منابع خبری گروه های مسلح کرد آمده است که در اواخر تیر ماه در جریان حمله نیروهای "پژاک" به یک پادگان نظامی در اطراف میروان ۱۶ تن از نیروهای مزدور جمهوری اسلامی کشته شده اند.



خدماتی ست که از روز اول به حیات ننگین این رژیم وابسته توسط امپریالیست‌ها روح بخشید و باعث شد تا در تمام مدت حکومت چنین رژیم ضد خلقی ای، دست‌های آشکار و پنهان امپریالیست‌های جنایتکار در مقابل جنبش ضدامپریالیستی و انقلابی توده‌ها در تمام مقاطع بحرانی در پشت سر آن قرار گیرد و بقای آن را تا به امروز و در چارچوب سیاست‌های آنان به زور اعمال یک دیکتاتوری سپاه و قهر آمیز مطلق العنان تضمین سازد. این برخی از آن "فوایدی" ست که در حراج ۴۰۰ میلیارد دلاری اخیر منابع نفت و گاز مردم ما در بارگاه امپریالیست‌ها برای سگان زنجیری امپریالیسم یعنی رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و رییس کمیسیون انرژی مجلس مدعی ست که آنها را نمی‌فهمد!

براستی کسی که نمی‌خواهد بفهمد چه بر سر حدود ۸۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته شده در سال‌های سلطه جمهوری اسلامی آمده است هرگز نخواهد فهمید که چرا سردمداران این رژیم جنایتکار برای عملی شدن چنین قرار دادهائی چنین تخفیف‌هائی قائل میشوند. و چرا علیرغم این همه منابع باز هم بیش از نیمی از آحاد جامعه تحت سلطه ما محروم از چنین نعمات مادی ای گرسنه و بیکار در زیر خط فقر و بقا و فنا زندگی می‌کنند و در عوض جیب مشتتی از سرمایه داران زالو صفت وابسته و اربابان جهانی شان به برکت تداوم حاکمیت این رژیم از غارت و استثمار مردم ما هر روز پرت‌تر می‌شود.

نقش ایفا نمود. همین رژیم بود که پس از ۸ سال کشت و کشتار توده‌ها و نابود کردن حیات و معاش آنها به خواست اربابان جهانی خود "جام زهر" پایان جنگ" را نوشید و بلافاصله زیر نام دوره "بازسازی" و توسط دار و دسته رفسنجانی مزدور خوان یغمای بسیار بزرگتری را برای امپریالیست‌ها و شرکت‌های آنها گشود به گونه ای که ایران برغم شناخته شدن به عنوان یک کشور ثروتمند، به یکی از مقروض ترین کشورهای منطقه به بنگاه‌ها و دول امپریالیستی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تبدیل شد و زنجیرهای اسارت بار وابستگی هر چه بیشتر بر پاهای توده‌های محروم و زنجیر ما بسته شد. همین رژیم بود که در دوران خاتمی فریبکار چنان قراردادهای نفتی ای با دولتها و شرکت‌های نفتی امپریالیست‌ها امضا نمود که حتی برخی از محافل هیات حاکمه ضد خلقی از آن به عنوان قراردادهایی که روی پادشاهان فاسد و مزدور قاچار را نیز سفید کرده نام بردند. امروز نیز بخشش ۴۰۰ میلیارد دلار از ثروتهای متعلق به مردم کشور ما در جریان قرارداد خط لوله هند و پاکستان به طرف‌های اصلی و نه ظاهری این معامله که بی تردید کسانی جز کمپانیهای امریکایی و اروپایی نیستند در جریان پیشبرد چنین سیاست‌ها و خطی ست که اتفاق می‌افتد.

شکی نیست که بررسی کارنامه خیانت‌های رژیم مزدور جمهوری اسلامی و کارگزاری بی‌چون و چرای آن در بارگاه امپریالیست‌ها مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود اما درست تعهد به اجرای چنین

البته چنین رفتارها و سیاست‌هایی که مبین عمق رذالت و خود فروختگی سران جمهوری اسلامی است، به هیچ وجه تازگی نداشته و مختص به دولت ضد خلقی احمدی نژاد مزدور هم نمی‌باشد. تجارب عینی ناشی از ۳۰ سال زندگی در زیر حاکمیت این رژیم تا مغز استخوان وابسته به امپریالیسم نشان می‌دهد که چگونه تمامی عملکردهای جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی در چارچوب خطی به پیش برده شده که اربابان امپریالیست این حکومت مطابق منافع خود ترسیم نموده و جمهوری اسلامی نیز با پیگیری و قاطعیت تمام و به بهای سرکوب و کشتار توده‌های تحت ستم ما آن خطوط و سیاست‌های امپریالیستی را اجرا کرده اند. بگونه ای که ما دیده ایم که برغم تمامی عریده‌های ظاهرا تند و ضد امپریالیستی رهبران جمهوری اسلامی و از جمله خمینی جلال، این رژیم از همان اولین روز روی کار آمدن خود، همان سیاست‌های رسوای رژیم وابسته به امپریالیسم شاه (البته گاهی بصورت مخفی) را در زمینه نفت و گاز ادامه داده و امکان غارت هر چه بیشتر منابع کشور را از سوی شرکت‌ها و دولتهای جهانخوار امپریالیستی مهیا نموده است. سپس همین رژیم در جریان ۸ سال جنگ ارتجاعی با عراق، جنگی که در جهت منافع امپریالیست‌ها شکل گرفته بود، زیر نام جنگ "اسلام" با "کفر" صد‌ها میلیارد دلار به جیب انحصارات نظامی و دول امپریالیستی ریخته و به این شکل به سهم خود در تخفیف بحرانهای اقتصادی لاعلاج آنها

جان باختن ۱۷ کارگر زحمتکش در تهران!

ماجرای جان باختن ۱۷ کارگر بیگناه در زیر آوار ساختمانی ۸ طبقه که در تاریخ ۱۰ تیرماه در سعادت آباد تهران اتفاق افتاد خشم و نفرت افکار عمومی را هر چه بیشتر بر علیه دست اندرکاران دزد و فاسد رژیم برانگیخت. در تایخ نامبرده این ساختمان ۸ طبقه مستهلک پس از آن که دست اندرکاران حکومت به اخطارهای مکرر مردم محل مبنی بر وضعیت خطرناک این بنا و احتمال فرو ریختن آن وقعی نگذاشتند بر سر کارگران زحمتکش خراب شد و به مرگ دلخراش ۱۷ تن از کارگران منجر گشت. خارج کردن جسد کارگران جان باخته از زیر آوار تا چند روز به درازا کشید و در تمام این مدت مردم به همراه خانواده این کارگران شاهد این رویداد غم انگیز بودند و با اشکال مختلف خشم و نفرت خود را از اهمال کاریهای مقامات شهرداری نشان می‌دادند. بطوری که اعتراضات آنها طشت رسوایی حکومت را سر انجام از بام فرو انداخت و باعث شد که رییس جمهور ضد خلقی به وزیر اطلاعات حکومت دستور دهد تا در ظرف یک ماه روی این حادثه "تحقیق" کند و باصطلاح "عوامل" آن را شناسایی نماید.

هر ساله صد‌ها کارگر زحمتکش در ایران به دلیل فقدان و نبود حد اقل استانداردهای امنیتی و وجود ابزار و وسایل ایمنی و حفاظتی قربانی آز و سودجوییهای سرمایه داران زالو صفت و مقامات دولتی گشته و مجروح و معلول شده و گاهی نیز جان می‌دهند. ایران از نظر تعداد حوادث و سوانح کارگری جزء ناامن ترین کشورهای جهان قرار دارد.



واقعیت "دستگیری جنایتکار جنگی صرب"

خبر دستگیری یکی از مقامات نظامی سابق صربستان در بوسنی به نام رادوان کارادازیچ و استرداد او به دادگاه بین المللی لاهه به عنوان یکی از "پیروزیهای" آمریکا و متحدینش در بحران بالکان انعکاس بسیار وسیعی در بلندگوهای تبلیغاتی جیره خوار امپریالیستها پیدا کرد. دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم کوشیدند که از این واقعه یعنی "دستگیری یک جنایتکار جنگی" پس از ۱۰ سال "فرار" به عنوان جلوه دیگری از پیروزی "عدالت" نام ببرند.

لازم به یاد آوری ست که رادوان کارادازیچ متهم به شرکت در کشتار هزاران تن از شهروندان مسلمان بوسنیایی در جریان جنگ بالکان می باشد؛ جنگی که توسط امپریالیستها و جهت تجدید تقسیم این منطقه بر پا شد و در طی آن صد ها هزار تن از مردم منطقه کشته و مجروح شده و بسیاری از منابع مادی و معنوی در منطقه نابود گشت.

اما در ارتباط با جگونگی دستگیری رادوان کارادازیچ اخیرا فاش شده که او در جریان یک معامله بین آمریکا و دولت بحران زده صرب سرانجام توسط مقامات این دولت تحویل آمریکا و سازمان ملل داده شده است. در شرایطی که بلندگوهای تبلیغاتی غرب مدعی هستند که او پس از ۱۰ سال فرار دستگیر شده، گزارشات منتشره بسیاری حکایت از آن دارند که دولت های اروپایی با وعده اجازه دادن به صربستان برای پیوستن به بازار اروپا خواهان استرداد رادوان کارادازیچ شده اند و دولت صربستان نیز چنین درخواستی را پذیرفته است. از سوی دیگر سفیر سابق بوسنی در سازمان ملل متحد نیز اخیرا در مصاحبه با تلویزیون الجزیره اعلام کرده که رادوان کارادازیچ در مقابل فولی که نماینده آمریکا (ریچارد هولبورک) در جریان معاهده دیتون در سال ۱۹۹۵ مبنی بر عدم محاکمه وی بخاطر جنایات



جنگی در صورت کناره گیری به او داده بود، از مناصب خود کناره گرفته بود و به زندگی علنی مشغول بوده است. وی اضافه کرده است که " فراموش نکنید که دو سال بعد از این معامله ، کارادزیچ همچنان آزادانه در رفت و آمد بود بدون آنکه هیچ اقدامی برای پنهان کردن هویت خود انجام دهد که به نظر می رسد نوعی تفاهم چه به طور تلویحی و چه به صورت صریح بین کارادزیچ و هولبورک یا حداقل نیروهای ناتو که به عنوان پاسدار صلح به بوسنی رفته بودند وجود داشته است."

این اطلاعات نشان می دهد که چگونه امپریالیستها با توسل به دروغ و ریا و در شرایطی که در بحران دست و پا می زنند و هر روز اخبار شکست ها و رسواییهای مختلف آنان در سرکوب و کشتار توده های محروم گوش فلک را کر می کند، می کوشند برای خود پیروزی و موفقیت دست و پا کنند.

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org>

از صفحه رفیق اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران:

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

نشانی پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد کمونیزم!

